

سخن نخست

علم کلام که در میان علوم اسلامی پیشینه‌ای طولانی دارد، با سه هدف عمده پایه‌گذاری شده است: تبیین عقاید دینی، استدلال و توجیه عقلی برای آن و دفاع از این عقاید در برابر شبهه‌های مخالفان. گرچه این اهداف کم و بیش در سایر علوم عقلی اسلامی نیز مورد توجه بوده است ولی تنها متکلمان این مسائل را دغدغه خود قرار داده و مستقیماً در این راه گام برداشتند.

در اهمیت علم کلام همین بس که هیچ دین و مذهبی از آن بی‌نیاز نیست؛ زیرا از سویی باید مبانی نظری دین استوار گردد و از سوی دیگر، شبهات منکران و مخالفان آن پاسخ داده شود؛ همچنین، پیوسته برای کسانی که ذهن کنجکاوی دارند درباره دین و مذهبی که بدان باور دارند، پرسش‌هایی مطرح می‌گردد، که پاسخ‌گویی به آنها را نیز علم کلام باید به دوش بکشد؛ از همین روست که یکی از دلایل نام‌گذاری علم کلام را قدرت بر تکلم دانسته‌اند.

از روایات گوناگون به دست می‌آید متکلمان برجسته در نزد امامان معصوم علیهم‌السلام جایگاه بس والایی داشته، مورد علاقه و تشویق آن بزرگواران بوده‌اند. با وجود استقبال اندیشمندان فرق و مذاهب از این دانش، در برخی دوره‌ها علم کلام با حمله شدید دشمنان و منتقدان مواجه شد. گروهی بحث درباره باورهای دینی را از این رو که به درگیری و جدال می‌انجامد، منع کرده‌اند و علم کلام را بدعت و متکلمان را اهل اهواء و بدعت دانسته و مردم را از نزدیک شدن به آنان برحذر داشته‌اند. از نگاه اینان هر چه که صحابه و تابعان، درباره آن سکوت کرده‌اند، دیگران نیز باید درباره آن سکوت کنند و بحث از آن بدعت است. چنانکه مالک بن انس در پاسخ به پرسشی درباره بدعت می‌گوید: «اهل بدعت‌ها کسانی هستند که در اسماء و صفات خداوند و کلام و علم و قدرتش سخن می‌گویند و از آنچه صحابه و تابعین از آن سکوت کرده‌اند سکوت نمی‌کنند.»

علم کلام از دیدگاه اینان باطل بوده، از دایره علوم خارج است. متکلم نیز زندیق شمرده می‌شود. اینان در حقیقت مخالف هر گونه بحث عقلی هستند، تا جایی که شخصیتی مثل جلال‌الدین سیوطی کتابی در این زمینه با عنوان *صون المنطق و الکلام عن المنطق و الکلام می‌نگارد*.

گاهی نیز علم کلام بدین جهت که شیوه متکلمان جدلی است و سر و کار با برهان ندارد، مورد بی‌مهری قرار گرفته و از آن روی گردانده شده است. از این چشم‌انداز کلام، دانش ضعیفی دانسته شده که توان پاسخ‌گویی کامل به پرسش‌ها و شبهات را ندارد. ولی واقعیت این است که این دانش بستر بسیار مناسبی برای پرداختن به موضوعات اعتقادی بوده و از جهت روش بحث محدود به جدل نیست، بلکه در آن می‌توان از شیوه‌های گوناگون عقلی و نقلی، جدلی و برهانی به تناسب مخاطبان و مسئله مورد بحث بهره جست.

چنین دانشی که رسالت آن تبیین و تثبیت عقاید دینی و مذهبی است، با توجه به گستردگی شیوه بحث در آن و نیز توانایی آن در حل شبهات اعتقادی، لازم است بیشتر مورد توجه باشد به ویژه در عصر حاضر که تلاش‌های گسترده‌ای علیه مبانی و عقاید اسلامی صورت می‌گیرد و شبهات گوناگونی درباره موضوعات اعتقادی اسلامی حتی از سوی کسانی که به ظاهر خود را معتقد به اسلام معرفی می‌کنند، مطرح می‌گردد، به گونه‌ای که تمام موضوعات اعتقادی مورد هجمه دین‌ستیزان قرار گرفته است.

امروزه شبهات به اختلافات مذهبی خلاصه نمی‌شود، بلکه دامنه آن اصل وحی و نبوت و قرآن و عصمت و تبیینات و ادله گوناگون در خداشناسی را گرفته و بارنگ و لعاب بسیار جذاب و فریبنده به جامعه القاء می‌شود و با توجه به وسایل ارتباطی بسیار پیشرفته به سرعت این شبهات سراسر جهان را درمی‌نوردد و آثار خود را در همه جا نمایان می‌سازد، از این رو توجه به علم کلام ضرورتی گریزناپذیر و رسالت متکلم بسیار سنگین است و باید شبهات گوناگون را با دید باز شناسایی کرده، با استفاده از ابزارهای معرفتی گوناگون و منابع بسیار غنی که در اختیار دارد و شیوه‌های مختلف استدلال به پاسخ‌گویی آنها بپردازد، بلکه خود از قبل شبهات را پیش‌بینی کرده و زمینه آنها را با تبیین درست مسائل برای سطوح مختلف جامعه از بین ببرد.

دبیر علمی کلام

